

نامیرا از اسم کتاب زلف خواننده را به خود گره می‌زند و تا پایان او را با خود همراه می‌کند. تجربه کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی صادق کریمیار، نویسنده کتاب به خوبی در تصویرسازی‌های کتاب به چشم می‌خورد. کتاب در هفت فصل و ۲۷۲ صفحه نوشته شده است و متن کتاب از ابتدا تا انتها یکدستی خیلی خوبی دارد

آیا دغدغه داشتن برای نوشتن از حقیقت کافی است؟

نگاهی نزدیک‌تر به رمان‌هایی که به موضوع قیام عاشورا می‌پردازند

فاطمه خانعلی زاده

خبرنگار

مسئله قیام امام حسین علیه‌السلام مسأله امروز است اما قدمتی به اندازه تاریخ دارد. پرداختن دوباره و دوباره به این قیام از آن تکرارهایی است که جهان و انسان به آن نیاز دارد. اما آیا تنها دغدغه داشتن برای نوشتن از این قیام عظیم کافی است؟ در کتاب‌هایی از این دست چقدر تخصص نویسنده‌گی و پرداخت مناسب به موضوع مورد توجه قرار گرفته است؟ در این متن به سه رمان در زمینه تاریخ دینی نگاه دقیق‌تری می‌اندازیم.

راهی پر از بلاست ولی عشق پیشواست

کتاب پس از بیست سال اولین تجربه داستان‌نویسی سلمان کدیور است که از دل دوره‌های مدرسه‌رمان شهرستان ادب خلق شده است. اولین تجربه‌ای که به شدت مورد توجه اهل فرهنگ و عموم مردم قرار گرفت. اولین چیزی که در این رمان توجه مخاطب را جلب می‌کند، حجم نسبتاً زیاد آن است. کتاب ۷۵۰ صفحه است اما هم شیوه روایت روان و سریع پیش‌رونده داستان و هم قطع کتاب و صفحه‌آرایی به نحوی است که خواننده را خسته نمی‌کند. زبان یکدستی هم دارد و با وجود طولانی بودن کتاب، متن دچار تغییر لحن نمی‌شود. نویسنده، آشنایی نسبتاً خوبی با وقایع تاریخی و روایات دارد و بدون اینکه متن لحن خشکی به خود بگیرد، اطلاعات تاریخی خوبی را به خواننده منتقل می‌کند. در یک سوم ابتدایی کتاب عشقی جریان دارد که سلمان کدیور با نجابت قلمی کاملاً به اندازه به آن می‌پردازد. شخصیت اول داستان شخصی است به نام سلیم، خلق شده توسط نویسنده و هیچ عقبه تاریخی ندارد. این انتخاب را می‌توان از دو جهت بررسی کرد. اول اینکه واقعی نبودن این شخصیت دست نویسنده را برای روایت بخش‌های داستانی که صرفاً حاصل تخیل است و قطعاً از ملزومات نوشتن رمان است، باز می‌گذارد. اما نکته دوم این است که با توجه به حساسیت تاریخی موضوع کتاب، نویسنده چقدر می‌تواند یک شخصیت را در دل تاریخ شیعی جا بزند و از روایت‌های تاریخی برای هویت‌بخشی به شخصیت خیالی خویش استفاده کند؟ پس از بیست سال چه در تبلیغات و چه در صفحات ابتدایی و چه حتی در عنوان و طرح روی جلد این طور

می‌نمایند که کتابی مربوط به قیام عاشورا است. اما در واقع جز چند صفحه در ابتدا و چند صفحه در انتها که با دو عنوان مجزا از بقیه متن کتاب جدا شده‌اند به واقعه کربلا نمی‌پردازد. بخش اعظمی از کتاب مربوط به سال‌های ۳۶ و ۳۷ هجری است و به طور مشخص به جنگ صفین و فتنه‌های آن زمان می‌پردازد. اگرچه تاریخ تکرار می‌شود و می‌توان آسیب‌شناسی وقایع کربلا را در ادامه وقایع دوران امیرالمؤمنین دانست اما اگر صفحات ابتدایی و انتهایی کتاب حذف می‌شد و نویسنده مشخصاً و بدون تعارف به همان بخش‌های تاریخ می‌پرداخت که در کتاب بر آن تکیه کرده است، تکلیف کتاب برای خواننده مشخص‌تر بود و همانی را می‌خواند که هست، نه آنی که وعده داده شده.

چو بیدر سر ایمان خویش می‌لرزم

نامیرا از اسم کتاب زلف خواننده را به خود گره می‌زند و تا پایان او را با خود همراه می‌کند. تجربه کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی صادق کریمیار، نویسنده کتاب به خوبی در تصویرسازی‌های کتاب به چشم می‌خورد. کتاب در هفت فصل و ۲۷۲ صفحه نوشته شده است و متن کتاب از ابتدا تا انتها یکدستی خیلی خوبی دارد. نویسنده از توصیفات یا دیالوگ‌های اضافی پرهیز کرده و می‌توان گفت تمام جملات کتاب در خدمت جلو بردن روایت است. همین ویژگی باعث می‌شود مخاطب علاوه بر سرعت، با تمرکز بیشتری کتاب را بخواند. داستان از عبور عبدالله بن عمر از دشت نینوا و دیدار عجیبش با انس بن حارث، مدتی پیش از قیام امام شروع می‌شود و در آخرین صفحات با پیوستن عبدالله به سپاه امام حسین علیه‌السلام در دشت نینوا پایان می‌پذیرد. داستان قدم به قدم به آرامی شخصیت‌ها را به خواننده معرفی کرده و از ساختن شخصیت‌های سیاه مطلق و سفید مطلق خودداری می‌کند. کتاب بیشترین تمرکز را روی وقایع کوفه می‌گذارد. نامه‌نویسی‌ها، ورود مسلم بن عقیل به کوفه و حوادثی که این ورود در پی دارد و چگونگی تغییر نظر جماعتی که خود اصرار بر آمدن امام داشتند. نامیرا داستان شک‌ها و تردیدهاست، صادق کریمیار در مصاحبه‌ای عنوان می‌کند: «شخصیت مثبت به این معنی نیست که هر کاری انجام می‌دهد، درست باشد. مثل عبدالله که تا آخر داستان تردید دارد. اگر تردید نباشد، حقیقت خودش را نشان نمی‌دهد. حقیقت در سبتر تردید شکل می‌گیرد و

نهایتاً منجر به تصمیم‌گیری می‌شود.» او با انتخاب زاویه دید دانای کل درونیات شخصیت‌های کتاب را برای خواننده عیان می‌کند و به درستی از پس نشان دادن فضای مه‌آلود کوفه برمی‌آید؛ فضایی فتنه‌انگیز که در آن تشخیص حق از باطل به راحتی میسر نمی‌شود و حتی ممکن است خواص را هم به اشتباه ببیند. خواننده کتاب بارها در حین خواندن نهب می‌خورد که چطور شخصیت‌ها مغلوب سیاهی دوران می‌شوند و به دلایل دنیوی چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزند. گاهی هم به شکلی ترسناک خواننده جای خود را در بین حق و باطل محکم و روشن نمی‌بیند. نویسنده تضاد منافع، عدم شناخت صحیح اهل کوفه از امام حسین علیه‌السلام و یزید و فتنه‌های پی‌درپی و تغییر در محاسبه را دلیل حوادثی می‌داند که بعد از آمدن مسلم در کوفه رخ می‌دهد و به دنبال آن حوادث کربلا را شکل می‌دهد. بدون شک می‌توان نامیرا را یکی از نمونه‌های موفق در زمینه رمان تاریخی دانست که نه تنها داستان را بر بستری از حقایق تاریخی پیش می‌برد بلکه تفسیری درست از وقایع نیز ارائه می‌کند.

با فاصله‌ای امن که آسیب‌نیبینی

ادبیات داستانی ابزار جدیدی نیست برای تعریف کردن تاریخ و آنچه رخ داده است. هر کس از سر ذوقی در پی تعریف ماجراست. اما کسانی که ادبیات داستانی را انتخاب می‌کنند در هر تعریف و در هر بازگویی سعی می‌کنند بعد جدیدی از ماجرا را عنوان کنند، بعدی که کمتر شنیده شده و کمتر به آن پرداخته شده باشد. این ادعای نویسنده کتاب شماس شامی هم هست. در متن پشت کتاب آمده است: «داستان اگر اجازه ندارد تاریخ را تحریف کند، اما این توان و ظرفیت را داراست که تاریخ را از زاویه‌ای نوبه روایت بنشیند، گویی که آن را دوباره می‌آفریند.» مجید قیصری این بار قیام را از زاویه‌ای نوییعی از زاویه دید یک مسیحی بی‌طرف روایت می‌کند. داستان توسط نامه‌هایی به جلومی‌رود که توسط خادم مخصوص جالوت، نماینده امپراطور روم، به مأمور مافوقش نوشته شده است؛ نامه‌هایی که در واقع گزارش‌هایی است از شرح مافوق چگونگی مفقودی جالوت. دو متن در ابتدای کتاب به عنوان مقدمه‌های مترجمان عربی و فارسی آورده شده که شروع داستان در دل یک داستان دیگر است. مجید قیصری که علاقه قلمش به سبک رئالیسم جادویی در کتاب‌ها و داستان‌های دیگرش نیز به خوبی نمایان است با دو مقدمه کوتاه به خوبی به خواننده کتاب می‌باوراند که در آستانه خوانش یک سند معتبر تاریخی است اما متأسفانه به نامه‌ها که می‌رسیم، تاریخی بودن متن اصلاً باورپذیر نیست و کتاب نه در انتخاب واژگان و نه در زبان به نامه‌های تاریخی نمی‌ماند بلکه کاملاً شکل مدرنی دارد. چه بسا اگر مقدمه‌های ابتدای کتاب نبود شاید همین زبان مدرن نقطه قوت کتاب محسوب می‌شد اما نویسنده در نهایت از فراداستانی که ابتدای کتاب ایجاد کرده است، جا می‌ماند. از لحاظ پردازش به حواشی تاریخی پس از قیام هم، کتاب آن طور که انتظار می‌رود ظاهر نمی‌شود. انتخاب یک راوی بی‌طرف و ناآگاه، از طرفی در خدمت داستان و زاویه دید جدید است و از طرفی دیگر فاصله‌ای امن با بطن حقیقت ایجاد کرده که مشخص نمی‌شود عدم قطعیت‌های راوی به علت عدم قطعیت نویسنده از روایات

تاریخی بوده است یا به علت دوری منطقی راوی از وقایع و تداخل خیال و واقعیت برای پیشبرد بعد داستانی کتاب. پایان‌بندی کتاب هم قدری عجولانه و بی‌حوصله می‌نماید. با توجه به اینکه خواننده پایان داستان را از ابتدا می‌داند، رضایتی که انتظارش را می‌کشد، در صفحات پایانی کتاب نصیبش نمی‌شود. البته کتاب اشارات کوتاه اما محکم و تأمل برانگیزی در مورد ذهنیت حاکم بر مردم شهر، قبل و بعد از ورود اسرا دارد که کاش بیشتر به آن پرداخته شده بود. روی هم رفته روایت شماس شامی روایت تازه‌ای است و از این بابت قابل تحسین است. کتابی پرکشش و پیرتعلیق که با حجم کم و بخش‌های کوتاه و ریتم مناسب حتماً کتابی است که ارزش خواندن دارد.

